بسم الله الرحمن الرحیم

**بررسی تطبیقی روایات علائم ظهور با حادثه نوپدید کرونا[[1]](#footnote-1)**

**چکیده**

امروزه حوادث و رویدادهای متعددی از جمله مرگ های گسترده بر اثر امراض و بیماریهای فراگیر و صعب العلاجی مانند کرونا در سطح عالم بیش از پیش رواج پیدا کرده است و عده ای از صاحبان قلم و اندیشمندان، از این حوادث به حوادث قبل یا نزدیک به ظهور تعبیر کرده و آن را با روایات علائم ظهور تطبیق داده و نتیجه و ثمره آن در بین عامه مردم و علی الخصوص منتظران حضرت، اعتقاد به ظهوری نزدیک و فرجی قریب الوقوع شده است.

در این نوشتار ضمن بیان روایات علائم ظهوری که بیانگر مرگها و کشتارهای گسترده و وسیع در سطح عالم قبل از ظهوربوده، به امکان انطباق این روایات با حوادث نوپدید از جمله بیماری و ویروس جدید کرونا، پرداخته و در ضمن اشاره ای به اصل صحت و درستی چنین تطبیق هایی شده است.

**روش کار** در این مقاله کتابخانه ای و به صورت توصیفی - تحلیلی می باشد

**واژگان کلیدی:** تطبیق، روایات، علائم، ظهور، حوادث، نوپدید، کرونا

**مقدمه**

اندیشه حکومت جهانی مهدویت و برافراشته شدن پرچم عدل الهی به دست وجود مبارک و میمون حضرت ولی‌عصر حجة بن الحسن (عج)، از باورهای ناب شیعی است که همواره نقطه‌ی امید و عامل تحرک شیعیان به‌سوی تعالی و پیشرفت مادی و معنوی بوده است اما این انتظار و امید به فرج نباید از مسیر معقول و مورد تایید روایات خارج شود.

پیشینه تحقیقات مربوط به مباحث مهدویت به‌طورکلی، از قدیم‌الایام و حتی قبل از غیبت حضرت مهدی (عج) مطرح بوده و این امر خصوصاً پس از غیبت حضرت مهدی (عج) رونق گرفت و کتب بسیاری درزمینه‌ی مباحث مختلف مهدویت تدوین شده است[[2]](#footnote-2)از جمله این مباحث کتبی در موضوع علائم و نشانه های پیش از ظهور می باشد[[3]](#footnote-3) اما در این بین تطبیق های نادرستی بین روایات ظهور و رخدادهای مختلف در طول تاریخ بعد از غیبت کبری شکل گرفته که زمینه سوء استفاده عده ای را فراهم کرده و برخی را به گمراهی کشانده است، آنچه امروزه برای جلوگیری از بروز پیامدهای ناگوار چنین انطباقهایی باید مورد توجه قرار گیرد بررسی دقیق رخدادهای نوین و نوپدید با روایات بیان کننده علائم ظهور است.

پاسخ به این سوال ضروری است که آیا اصولا انطباق حوادث نوپدیدی مانند کرونا بر روایات دربردارنده علائم ظهور، امری درست و ممکن است یا خیر؟ و آیا اگر علائمی (حتمی یا غیر حتمی) تحقق پیدا کرده نزدیک به ظهور هستیم یا این تطبیق ها مبنایی ندارند؟

ضرورت طرح و پرداختن به این بخش از علائم ظهور، وجود بیش از پیش احتمالات و تطبیق های بسیاری است که امروزه ذهن منتظران ظهور را به خود درگیر کرده و پرسش های بسیاری خصوصا برای جوانان ایجاد شده و شاهد تحیر و ابهام در این زمینه هستیم از طرفی بازار مقایسه ها و انطباق این حوادث با روایاتِ نشانه های ظهور، بسیار گرم شده و وعده و وعید هم بسیار است چه از جانب مبلغین و متدینین دلسوز و چه از جانب افراد و جریانهای سود جو و منفعت طلب، لذا جامعه مهدوی نیازمند تحلیلی درست، منطقی و بدور از هیجانات برگرفته از شوق دیدار، است. لذا بررسی علائم ظهور و شناخت درست، دقیق و بر مبنای روایات صحیح از علائم قبل و نزدیک ظهور می تواند مانع از افتادن در دام شبهات شده و زمینه ساز تحقق تفکری مبنایی و بدور از تاثیر پذیری از جو و هیجانات باطل باشد. از طرف دیگر با توجه به پیچیدگیهای علائم و سختی تطبیق درست آنها با حوادث و رخدادهای قبل از ظهور، عدم توجه لازم در زمینه شناخت درست، موجب افتادن در دام تفاسیر و تعبیرها و تطبیق های غلط شده و تبعات فردی و اجتماعی خطرناکی را به دنبال خواهد داشت هر چند ما اصول و ضروریاتی در دین داریم که ما را در تشخیص حق از باطل کمک می کند و هر اقدام و امری که از این مبانی و اصول تخلف نکند قابل قبول بوده و در غیر این صورت مردود می باشد لذا شناخت علائم ظهور ما را بی نیاز از شناخت مبانی و اصول نمی کند اما می تواند عده ای را که شناخت کمتری از اصول دارند به هدایت نزدیک کند و مکمل اصول باشد لذا در این نوشتار ضرورت تبیین و بررسی دقیق رخدادهای نوین و نوپدیدی مانند کرونا با روایات بیان کننده علائم ظهور، دیده شده است.

قبل از پرداختن حادثه نوپدید کرونا و تطبیق آن با روایات توضیح این نکته ضروری است که علائم ظهور به نشانه های حتمی و غیر حتمی قابل تقسیم است که برای علائم حتمی تعبیر محتوم ذکر شده مثلا امام باقر (علیه السلام) فرموده اند:إِنَّ مِنَ الْأُمُورِ أُمُوراً مَوْقُوفَه وأُمُوراً مَحْتُومَه وإِنَّ السُّفْیانِی مِنَ الْمَحْتُومِ الَّذِی لَا بُدَّ مِنْه» همانا رخداد برخی از وقایع موقوف ومشروطند وبرخی حتمی وتغییرناپذیرند، وسفیانی از امور حتمی است که بی تردید اتفاق خواهد داد (نعمانی، ص۳۱۳، باب ۱۸، ح۶) فلسفه این تقسیم بندی در علائم غیر حتمی، به جهت ایجاد امید در دل مومنانِ به فرج و انگیزه برای زمینه سازی ظهور، و در علائم حتمی به جهت شناخت و معرفت نسبت به ظهور حضرت و انتخاب درست و در نتیجه حق مداری و کمک به برپایی عدالت، می باشد لذا شناخت این علائم از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده و برخی از علما معتقد به وجوب آن هستند (صافی گلپایگانی، ج‏3، ص 303) هر چند در وقوع علائم حتمی احتمال بدا وجود دارد اگر چه عده ای به استناد برخی روایات[[4]](#footnote-4) (ابن بابویه، ص۶۵۰، باب۵۷، ح5 و مجلسی، ج 52، ص 182) **بدا** را در علائم حتمی منکرند و در نتیجه تحقق خارجی آنها را قطعی می دانند، از این رو جمع بندی و تحلیل مجموع روایاتی که علائم و نشانه های ظهور را بیان کرده اند این است که علائم غیر حتمی بسیار[[5]](#footnote-5) و حدود هشت نشانه در روایات قید حتمی (محتوم) دارند که عبارتند از: «ندای آسمانی» (کلینی، ج 8، ص 310) «یمانی» (صدوق، ج 2، ص 652) «سفیانی» (نعمانی، ص 301) «قتل نفس زکیه» (راوندی، ج 3، ص 1161) «خسف بیداء» (نعمانی، ص 257.) «پدیدار شدن دستی در آسمان» (همان، ص 252) «طلوع خورشید از مغرب» (طوسی، ص 435) و «اختلاف بنی فلان در عربستان» (حر عاملی، ج 5، ص 133) هر چند روایات تاکید بیشتری بر پنج نشانه یمانی، سفیانی، ندای آسمانی، قتل نفس زکیه و خسف بیداء، دارند (صدوق، ج 2، ص 650 / مجلسی، ج 52، ص 204/ ابن بابویه، ص 128/ شیخ صدوق، ج 2، ص 649 / طوسی، ص 436 / کلینی، ج 8، ص 310 / نعمانی، ص 252)

**همچنین** باید بین شرایط ظهور و علائم ظهورتفکیک قائل شدتحقق شرایطی مانند اضطرار و مطالبه فرج و عدالت خواهی در سطح عالم و به عبارتی رسیدن جوامع به بلوغ فكري و روحي براي پذيرش حكومت جهاني و درک نیاز به حضور معصوم است و از طرفی زمینه سازی مومنان و خواص در جهت یاری حضرت و رسیدن آنان به حد نصاب، اموری قطعی در ذیل شرایط ظهورند و تا این شرایط در عالم پدید نیاید ظهور حضرت اتفاق نمی افت و تحققش بدور از حکمت خواهد بود لذا شرایط ظهور امری لاجرم و ضروری است و حتی بداعی که در علائم حتمی محتمل بود در شرایط ظهور منتفی است.

**امکان تطبیق**

آیا اصولا انطباق حوادث و رخدادهایی که در عالم به وجود می آید از جمله مثلا همین بیماری فراگیر کرونا، بر روایات دربردارنده علائم ظهور، امری درست و ممکن است یا خیر؟

هرچند امر تطبیق از هر حیث و به طور کلی نمی تواند نادرست و باطل باشد اما انطباق نشانه‌های ظهور بر مصادیق آن دارای چالشها و سختی هایی است که نیازمند احتیاط و دقت بسیار است و حتما باید اطمینان و یقین به تطبیق حاصل شود تا امکان شبیه سازی مصادیق غیر واقعی منتفی گردد از این حیث ناچاریم که در موضوع انطباق، به روایاتی استناد کنیم که علاوه بر صحت صدور و سندشان، وضوح، شفافیت و قابلیت انطباق را داشته باشند تا در این بین تعارضی با دیگر مبانی دینی حاصل نشود زیرا در غیر این صورت مصداقهای زیادی قابلیت تطبیق پیدا کرده و کشف مصداق واقعی از غیر واقعی مشکل می شود و همه افراد با ذوقها و سلایق و توانمدیهای مختلف علمی، دست به تطبیق و مقایسه حوادث با علائم ظهور زده و محدودیتی قابل تصور نبوده و مسیر برای سوء استفاده برخی مدعیان دروغین و زمینه گمراهی و فتنه در جامعه فراهم می شود مثلا قیام یمانی در روایاتِ صحیح و معتبر، به عنوان یکی از علائم حتمی ظهور ذکر شده است یکی از ملاکهای تشخیص یمانی واقعی از غیر واقعی این است که قیام لله و در راستای باورهای تشیع باشد و هر گونه ادعایی در تعارض با اعتقادات و ضروریات دین منتفی باشد، اما امروزه می بینیم جریانی به رهبری شخصی بنام احمد بصری مدعی است همان یمانی در روایات است و معتقد است امام سیزدهم بوده و معصوم است و یازده امام دیگر هم از نسل او امامت خواهند کرد و ... و متاسفانه بسیاری از جوانان هم این باورها را پذیرفته و جذب این فرقه شده اند اما اگر این پیروان احمد مبنایی که اشاره کردیم توجه می کردند دچار انحراف نمی شدند به این معنا که این مطابقت احمد به یمانی در روایات نباید با اصول اعتقادی ما در تعارض باشد این شخص خود را معصوم و امام سیزدهم معرفی کرده و قائل به بیست و چهار امام و معصوم شده است، این باور با اعتقادات تشیع اثنا عشری از صدر تا کنون در تعارض است و لذا همین می تواند ملاکی برای انحراف این جریان و بطلان ادعای احمد بصری باشد، از این حیث معیاری که می تواند ما را در ارزیابی درست تطبیق کمک کند صحت روایات علائم ظهور، چه از حیث اعتبار سندی و چه از حیث دلالت و مطابقت با کتاب و سنت معصومین و البته عدم تعارض با مسلمات عقلی و تاریخی است، همین معیارها در تطبیق بیماری کرونا با روایات صادره از معصومین در باب امراض فراگیر در آخرالزمان، صادق بوده و باید مورد توجه قرار گیرد.

نتیجه اینکه هرچند باب تطبیق بسته نیست و قطعا روایات وارده در بیان علائم ظهور که به بیش از دوهزار روایت (صحیح و غیر صحیح) می رسد، کنار گذاشته نمی شود و البته مورد توجه بوده و ثمرات بسیاری برای منتظران داشته و موجب امید به منجی اند، اما جان کلام و تمام سخن در این است که امر تطبیق باید با تقوا و علم و دقت فراوان همراه بوده و خطایی در این مسیر رخ ندهد چرا که اگر سهل انگاری در مطابقت درست حوادث نوپدید با روایات موجود، پدید آید و در پی آن خبر از ظهوری نزدیک داده شود اما اتفاقی نیفتد، نه اینکه امید به ظهور منجی در دلهای معتقدان به آن حضرت کم رنگ شده بلکه اعتقاد به آن حضرت دچار تزلزل شده و فضا برای معاندان و شبهه اندازان ایجاد شده و زمینه ی گمراهی فراهم می شود.

**رخدادهای نوپدید**

رخدادهای اخیر در سطح بین الملل (از جمله شیوع بیماریها و امراض و مرگهای فراگیر مانند بیماری معروف دنیای امروز بنام کرونا، بلایای طبیعی مثل زلزله ها و سیل ها و آتش سوزیهای گسترده و فوران آتش فشانها، سبک زندگی غیر دینی و گرایش مردم به بی بند و باری و ...) و اتفاقهای خاص در کشورهای مسلمان (از جمله ظهور داعش، قتل و کشتار در سوریه و عراق و افغانستان و یمن و ...) و علی الخصوص حوادث مرتبط با کشورهای شیعه (از جمله ظهور انقلاب اسلامی ایران، جریان یمن و قدرتمند شدن بیش از بیش آنها، حزب الله لبنان و ...) چه میزان می توانند با روایات مورد نظر ما در علائم ظهور یعنی مرگ و کشتارهای وسیع در سطح عالم، مرتبط بوده و نوید بخش ظهوری قریب الوقوع باشند؟

رخدادهای واقعه گسترده بوده و ما در سدد بررسی تمام وقایع و حوادث مورد اشاره در جوامع امروزه نیستیم و در این نوشتار امکان پرداختن به همه آنها نیست و البته باید هر کدام در جای خود مورد بررسی و تحقیق قرار گیرند آنچه در این نوشتار به دنبال تبیین آن هستیم و روایات مربوط به آن مورد بررسی قرار می گیرند، فقط بخش بیماریهای فراگیری است که موجب مرگهای گسترده شده و در روایات به آنها اشاره شده است.

روایات مورد بحث، به دو عامل اصلی مرگهای فراگیر اشاره کرده اند، یکی برخی بیماریهای واگیر دار و صعب العلاج مانند طاعون و دیگری جنگهایی است که در پی آن کشتارهای گسترده ای رخ می دهد به گونه که بیش از نیمی از مردم از بین می روند، که بخش اول مورد بحث ما بوده و بخش دوم در مجالی دیگر باید به آن پرداخته شود.

برای تبیینی درست از مبحث پیش رو، با ایجاد چند پرسش مسیر بحث روشن می شود و آن اینکه آیا اساسا روایاتی داریم که بر این میزان از مرگ و میرها در سطح عالم تصریح کرده باشند؟ اگر بله آیا این مرگهای گسترده اتفاق افتاده یا در حال رخ دادن است و اساسا امکان تحقق آن وجود دارد؟ پرسش بعدی اینکه آیا از این مرگهای گسترده در سطح عالم (از جمله بیماری کرونا)، می توان به عنوان یکی از علائم ظهور در نظر گرفت و امر تعجیل ظهور را بر این روایات با توجه به این حوادث، منطبق دانست؟ در صورت امکان یا عدم امکان انطباق، ادله آن چیست؟

**مرگهای فراگیر در روایات**

روایات فراوانی داریم که اشاره به این مطلب دارند که پیش از ظهور و قیام حضرت وضعیت عالم به گونه ای رقم می خورد که بسیاری از مردم به علل مختلف از جمله بیماری و جنگهای مختلف از بین رفته و کشته می شوند و ترس و اضطراب همه را فرا می گیرد (نعمانی، ص ۲۷۱ / ابن‌طاووس، ص‌132/ مقدّسى شافعى سلمى، ص 94 / طبسی، ج 1، ص 155) میزان این مرگها در روایات به صراحت اشاره شده و در برخی از روایات آمده که از هر هفت نفر، پنج تن نابود می‌گردند (مجلسی، ج ۵۲، ص ۲۰۷ و ابن بابویه، ج ۲، ص ۶۶۵) و در برخی دیگر دو سوم (ابن بابویه، ج۲، ص۶۵۵، ب۶۷، ح۲۹) و در برخی دیگر از روایات اشاره به کشته شدن يك سوم و مرگ يك سوم و باقی ماندن يك سوم دیگر دارد (ابن طاووس، ص ۱۲۸ و ابن طاووس، ص: ۱۲۸) و حتی مرگ نه دهم هم در برخی روایات آمده است (نعمانی، ص 274، باب 14، ح 54)

آنچه از روایاتِ ظهور در مورد مرگهای فراگیر قابل توجه است اشاره به دو عامل اصلی این مرگهاست، یکی مرگهای ناشی از مرضها و بیماریهای صعب العلاجی چون طاعون و امثال آن و دوم مرگهایی که بر اثر جنگها و درگیریها رخ می دهد از جمله اهم این روایات روایتی است از مولای متقیان علی (علیه السلام) که در آن به مرگ قرمز و مرگ سفید اشاره می کنند و می فرمایند:«بَيْنَ‏ يَدَيِ‏ الْقَائِمِ‏ مَوْتٌ‏ أَحْمَرُ وَ مَوْتٌ‏ أَبْيَضُ‏ وَ جَرَادٌ فِي‏ حِينِهِ‏ وَ جَرَادٌ فِي‏ غَيْرِ حِينِهِ‏ أَحْمَرُ كَأَلْوَانِ‏ الدَّمِ‏ فَأَمَّا الْمَوْتُ‏ الْأَحْمَرُ فَالسَّيْفُ‏ وَ أَمَّا الْمَوْتُ‏ الْأَبْيَضُ‏ فَالطَّاعُونُ» «قبل از ظهور امام زمان(ع)، مرگ قرمز و مرگ سفید و هجوم ملخ‌های رنگین خون در فصل و در غیر فصلِ خود خواهد بود؛ پس مرگ قرمز، کشتار با شمشیر است و مرگ سفید، طاعون است» (مجلسی، ج52، ص 113/ طوسی، ص ۴۳۸، ح ۴۳۰/ مقدّسى شافعى سلمى، ص ۶۵ و نعمانی، ص ۲۷۸)

همچنین امام صادق علیه السلام روایتی به همان مضمون روایت حضرت علی (علیه السلام) بیان فرمودند«قُدَّامَ الْقَائِمِ(ع) مَوْتَانِ مَوْتٌ أَحْمَرُ وَ مَوْتٌ أَبْيَضُ حَتَّى يَذْهَبَ مِنْ كُلِّ سَبْعَةٍ خَمْسَةٌ فَالْمَوْتُ الْأَحْمَرُ السَّيْفُ وَ الْمَوْتُ الْأَبْيَضُ الطَّاعُون‏» پیش از ظهور قائم(ع) دو نوع مرگ پدیدار می‌گردد: مرگ سرخ و مرگ سفید. به اندازه ‌ای از انسان‌‌ها کشته می‌شوند که از هر هفت نفر، پنج تن نابود می‌گردند، مضمون این روایت همان روایت حضرت علی علیه السلام بوده اضافه بر این نکته که از هر هفت نفر، پنج تن میمیرند (مجلسی، ج ۵۲، ص ۲۰۷ و ابن بابویه، ج ۲، صص370 و ۶۶۵)

در روایت دیگری امام صادق علیه السلام به کشته شدن دو سوم مردم اشاره کرده و فرموده اند«لاَ يَكُونُ هَذَا اَلْأَمْرُ حَتَّى يَذْهَبَ ثُلُثَا اَلنَّاسِ فَقُلْنَا لَهُ إِذَا ذَهَبَ ثُلُثَا اَلنَّاسِ فَمَا يَبْقَى قَالَ أَ مَا تَرْضَوْنَ أَنْ تَكُونُوا اَلثُّلُثَ اَلْبَاقِيَ» «امام زمان(ع) ظهور نمی‌كند، مگر این كه دو سوم مردم جهان از بین بروند، عرض شد: اگر دو سوم مردم كشته شوند، پس چه تعداد خواهند ماند؟ فرمود: آیا راضى نیستید از یک سوم باقى مانده باشید» (همان ص۶۵۵، ب۶۷، ح۲۹)

از بین رفتن این تعداد از انسانها (دو سوم) در روایتی از حضرت علی عليه السلام به این مضمون وارد شده که حضرت فرمودند:«لا يَخرُجُ المَهديُّ حتّى يُقْتَلَ ثُلثٌ و يَموتَ ثُلثٌ ، و يبقى ثُلثٌ» مهدى ظهور نمى كند مگر بعد از آن كه يك سوم مردم كشته شوند، يك سوم بميرند و يك سوم باقى بمانند (ابن طاووس، الملاحم و الفتن، ص ۱۲۸ و ابن طاووس، ص ۱۲۸) **روایات بسیار دیگری در این باب داریم[[6]](#footnote-6) که به از بین رفتن مردم اشاره می کند.**

 **تحلیل روایات و تطبیق آنها بر بیماری کرونا**

روایات مورد اشاره حاوی چند مطلب است که باید روشن شود اول اینکه تعداد کشته های مرقوم در روایات آیا واقعی و بر مبنای شمارشی حقیقی است یا از باب تاکید و عظمت اتفاق پیش روست؟ دوم اینکه آیا این دایره و وسعت مورد اشاره در روایات کل عالم را در بر می گیرد یا مرادشان مناطق خاصی از جمله کشورهای مسلمان است؟ سوم اینکه مراد از مرگ سرخ و مرگ سفید چیست و چگونه بر رخدادهای نوپدید امروز از جمله بیماری فراگیر کرونا قابل تطبیق است؟ چهارم اینکه **ممکن است گفته شود این کشته ها در روایات مربوط به بعد از ظهور حضرت است دلیل بر اینکه وقوع این حوادث قبل از ظهور و قیام حضرت بوده نه بعد از ظهور، چیست؟**

**تعداد کشته ها:** اعداد و ارقامی که در روایات به آنها از مرگ یک سوم مردم و حتی بیشتر تصریح شده است آیا از یک حادثه عظیم و کشتار گسترده و واقعی در عالم خبر داده و به تعبیر دیگر زبان روایات زبان حقیقی است نه سمبلیک، یا از باب تاکید و مبالغه بوده و بر کسرت کشته ها و مرگها دلالت دارد؟

معتقدیم روایات مورد اشاره در سدد تعیین دقیق مقدار کشته ها نبوده و بیشتر جنبه توجه به واقعه و اهمیتی است که این اتفاق قبل از ظهور دارد و تاکید بر تعداد زیاد کشته ها می باشد چرا که روایات بیان کنند تعداد کشته ها بر عدد خاص اتفاق نظر نداشته و هر کدام بر یک رقم معین و متفاوتی؛ تاکید دارند و همانطور که اشاره شده ارقامی چون یک سوم، دو سوم، پنج هفتم و نه دهم در روایات وجود دارد این نوع ادبیات و اختلاف موجود در روایات بیشتر ناظر بر تاکید در کثرت کشته هاست، موید این دیدگاه روایاتی است که صرفا اشاره به مرگهای گسترده دارد بدون اینکه عددی را ذکر کرده باشد مثلا از امام رضا (علیه السلام) منقول است که می فرمایند: «پیش از ظهور امام زمان (عجّل الله تعالی فرجه) مرگها و کشتارهای پیاپی وبی وقفه رخ خواهد داد» (نعمانی، ص ۲۷۱) البته فقط این تفسیر از روایان می تواند با بیماری کرونا همخوانی داشته باشد چرا که درست است که تا کنون بیش از میلیونها انسان بر اثر این بیماری جان خود را از دست داده اند اما جان باختن چند میلیون انسان کجا و از بین رفتن بیش از نیمی از انسانها کجا و لذا این برداشت فعلا به عنوان ملاک درست از روایات مد نظر است.

**تعمیم روایات: میزان تعمیم جغرافیایی روایات وارده در باب کشته ها و قتل های قبل از ظهور از سه بعد قابل بررسی است:**

**اول: برخی از روایاتی که اشاره شد تصریح در عموم داشته و وقتی سخن از مرگهای وسیع دارند اشاره ای به منطقه خاصی ندارند و به نظر می رسد مرادشان کل مردم دنیا باشد مانند «يَذْهَبَ ثُلُثَا اَلنَّاسِ» و «یَذْهَبَ تِسْعَهُ أعشارِ النَّاسِ» کلمه ناس معادل کلماتی چون مردم و بشر بوده و لذا آنچه از ظاهر کلمه «الناس» برداشت می شود عموم مردم بوده مگر قرینه ای در کار باشد،**

**دوم: برخی دیگر از همین قسم روایات، تلفات را به صورت درصدی تعیین کرده و اشاره به از بین رفتن اکثر مردم دارند که این میزان و درصد می تواند هم مشمول کل دنیا باشد و هم می تواند شامل جمعیت خاصی از یک منطقه باشد مثلا می فرماید «... يَذْهَبَ مِنْ كُلِّ سَبْعَةٍ خَمْسَةٌ... » یا «... حتّى يُقْتَلَ ثُلثٌ و يَموتَ ثُلثٌ ، و يبقى ثُلثٌ... » این پنج هفتم و دو سوم از کل دنیا مراد است یا منطقه ای خاص ابهام دارد.**

**هر دو تعبیر در روایات با بیماری کرونا که عالم گیر است سازگار می باشد.**

**سوم: بخش سوم از روایات وارده در باب قتل ها و کشته های قبل از ظهور، چه روایات منقول از شیعه (**مقدّسى شافعى سلمى، **ص 94 / طبسی، ج 1، ص 155 / ابن‌طاووس، ص‌132) و چه روایات منقول از اهل تسنن (**القشيرى النيشابورى**، جلد ۴ ص۲۲۱۹ ح۲۸۹۴ و ص۲۲۲۱ ح۲۸۹۷ / همان ج۲ ص۷۰۱ ح۱۵۷) اشاره به جنگها و درگیریهایی در چند کانون خاص دارد و ناظر به جمعیت کل دنیا نیست و نوعا سرزمینهای اسلامی که درگیر جنگ هستند مورد نظر است، این کانونها نوعا سوریه، ایران، عراق، یمن، فلسطین، ترکیه و عربستان (حجاز) می باشند، همچنین در لسان برخی روایات سرایت طاعون به اقوام و ملل خاص وجود دارد (ابن حماد، الفتن، ص 324)**

**اگر این دسته از روایات ملاک قرار بگیرد با بیماری کرونا سازگاری و مطابقت ندارد.**

**وجه جمع بین روایات: روایات وارده منافاتی با همدیگر ندارند و وجه جمع بین آنها این است که گفته شود اصل مرگ و کشتارهای وسیع در سطح عالم از روایات برداشت می شود و روایات تصریح در این امر دارند و روایاتی که به بخش خاص جغرافیایی یا گروهی خاص اشاره دارند اولا فهوای بیشتر این دسته از روایات درگیری و جنگهای فیزیکی است نه امراض و بیماریهای خاص، ثانیا اشاره به منطقه خاص از این باب است که این مراکز کانون اصلی درگیریها و جنگها می باشند و این منافاتی با درگیریهایی در دیگر مناطق دنیا ندارد لذا می توان گفت این دسته از روایات خللی به معنای عام و کلی که بیان شد، ندارند.**

**مراد از موت احمر و ابیض:** مراد روایات از موت احمر (مرگ قرمز) کشته شدن افراد بر اثر جنگهای مختلف و مراد از موت ابیض (مرگ سفید) طاعون می باشد، مرگ بر اثر جنگها مشخص است و وصف قرمز بخاطر ریخته شدن خون افراد است و مراد از مرگ سفید طاعون ذکر شده که بعید نیست مراد از مرگ سفید هر بیماری مسری مانند طاعون باشد که ویروسی بوده و بتواند در زمان کوتاهی به افراد متعدد سرایت کند و همه گیر شده و موجب مرگ های گسترده شود مانند ویروس کرونا موسوم به کووید19 که امروزه تمام دنیا را فرا گرفته و میلیونها نفر بر اثر آن از بین رفته و گستره آن کل دنیا است، البته این بیماریها منحصر به طاعون نبوده و امراض دیگری مانند طاعون در روایات ذکر شده است (مجلسی ج 52، ص 269 به نقل از الامامة و التبصره / یزدی حائری، ج 2، ص 125)

**مصداق روایات حوادث قبل قیام نه بعد قیام: شکی نیست روایات فوق به وقوع این حوادث قبل از ظهور و قیام حضرت اشاره دارند نه بعد از ظهور، همچنان که برخی از روایات وارده در این باب به این امر تصریح دارند مثلا این روایتی که زراره از امام صادق علیه السلام نقل کرده و در آن به ندای آسمانی که یکی از علائم حتمی قبل از قیام است اشاره کرده است، زراره گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: ایا ندای آسمانی حقیقت دارد؟ فرمود: «بلی؛ به خدا قسم! چنان است که هر قومی با زبان خودشان، آن را می شنوند آن حضرت فرمود: این امر محقّق نمی شود تا این که نُه دهم مردم از میان بروند. (**نعمانی، **ص 274، باب 14، ح 54) حضرت در این روایت مرگ گسترده را قبل از ندای آسمانی بیان فرموده است.**

**همچنین در روایتی دیگر حضرت می فرماید:** «لاَ يَكُونُ هَذَا اَلْأَمْرُ حَتَّى يَذْهَبَ ثُلُثَا اَلنَّاسِ ... » امام زمان(ع) ظهور نمی‌كند، مگر این كه دو سوم مردم جهان از بین بروند (ابن بابویه، ج۲، ص۶۵۵، ب۶۷، ح۲۹) این روایت هم دلالت بر تحقق این رخداد قبل از قیام قائم عج دارد، لذا نمی توان این روایات را مربوط به حوادث پس از ظهور دانست هر چند پس از ظهور حضرت جنگها و حوادثی رخ می دهد و بنا به فرموده امام صادق (علیه السلام) شیوه حکومت آن حضرت متفاوت از روش پیامبر (صلی الله علیه و آله) است و حرکت پیامبر (صلی الله علیه و اله) بر مبنای رحمت بود در راستای جلب قلوب اما مبنای حضرت حجت (عج) قتل دشمنان و البته رحمت بر مومنان است و این شیوه حکومت به ناچار کشته ها و قتل هایی در پی دارد چرا که بنا است حکومت جهانی مستقر شود و قطعا مستکبران عالم واکنش نشان داده و در مقابل حضرت قرار می گیرند و جنگها واقع می شود (مجلسی، ج 60، ص 213، ح 23 ) اما روایات مورد بحث ما مربوط به حوادث بعد از ظهور نبوده و اشاره به آن جنگها ندارد.

**مرگ و قتلهای گسترده و امکان تحقق**

**امکان تحقق در هر دو بعد کشتارهای بر اثر جنگها و بیماریها، متصور است چرا که در جنبه های نظامی آنقدر سلاح های کشنده مانند بمب اتم و دیگر جنگ افزارهای قدرتمند وجود دارد که اگر جنگی مانند جنگ جهانی اول و دوم رخ دهد در یک روز می توانند اکثر مردم دنیا را از بین ببرند همچنین بدون جنگ های فیزیکی و میدانی مرسوم، مردم دنیا را می توان با ساخت یک ویروس کشنده با ویژگی انتقال سریع از بین برد مانند شیوع بیماریهای واگیری و کشنده ای مثل سل و وبا و طاعون و امروزه ویروسی مانند کرونا که هم کشنده است و هم بسیار قابلیت انتقال به افراد در آن سریع می باشد به گونه ای که این ویروس تمام کشورهای دنیا را در برگرفته و بیش از میلیونها نفر را به کام مرگ کشانده است، البته آمار مرگ و میر منحصر به کشته شدگان مستقیم از بمب و موشک و یا سرایت بیماریها نیست بلکه عوامل غیر مستقیم تلفات بیشتر دارد که شاید کمتر به آن پرداخته می شود مثلا با شیوع ویروسی مثل کرونا کاملا دیده می شود که تمام کشورها در شرایط جنگی و حمله بیوتروریستی[[7]](#footnote-7) قرار گرفته و کل اقتصاد دنیا در شرف نابودی است و از طرف دیگر بسیاری از مردم بر اثر وقوع قحطی و رفتارهای ناشی از شرایط به وجود آمده جان خود را از دست می دهند مثلا گفته می شود یکی از راه های مقاومت در مقابل ویروس کرونا استفاده از مواد و نوشیدنیهای گرم است و به همین علت بسیاری از مردم به علت ترس از این ویروس به سراغ نوشیدنیهایی مثل شراب رفته و بر اثر زیاده روی در استفاده از آن جان خود را از دست داده و برخی صرفا به علت ترس و ایجاد شرایط ناسالم روحی سکته کرده و جان خود را از دست داده اند و بسیاری از این علل غیر مستقیم قابل ذکر است، بنظر می رسد روایات با همین نگاه، کشتار گسترده را ذکر کرده اند و مجموعه عوامل مستقیم و غیر مستقیم را ملاک قرار داده اند.**

**تطبیق روایات ظهور بر بیماری کرونا**

**بیماری کرونا از سه جنبه قطعیتِ وقوع و تطبیق، امکان وقوع و تطبیق و امتناع وقوع و تطبیق، قابل بررسی است که در صورت اثبات وجه اول، این بیماری یا باید ذیل یکی از علائم حتمی ظهور باشد یعنی با همان پنج واقعه حتمی قبل از قیام حضرت (که عبارتند از خروج و قیام سفیانی و یمانی و صیحه آسمانی و کشته شدن نفس زکیه و خسف بیدا) مطابقت داشته باشد و هم می تواند از علائم غیر حتمی باشد چرا که علائم غیر حتمی هم اگر واقع شوند لاجرم از علائم حتمی محسوب می شوند (البته با نگاه به گذشته بر خلاف علائم حتمی مصطلح که قطعیت وقوع آنها با نگاه به آینده است) و در صورت دوم (امکان وقوع) فقط جزء علائم غیر حتمی محسوب می شود و در صورت سوم (امتناع وقوع) نباید جزء علائم و نشانه های ظهور مطرح شود و مثلا می توان آن را از باب اخبار ملاحم و فتن یا اخبار غیر مستند، مطرح کرد، البته احتمال تحقق بداء در جای خود باقی است.**

**وجه اول و تطبیق بیماری کرونا با علائم حتمی: همانطور که اشاره شد تطبیق روایات مذکوری که دلالت بر از بین رفتن بیشتر مردم دنیا قبل از ظهور دارند، باید ذیل یکی از پنج نشانه حتمی ظهور قرار گیرد که در هیچ کدام از پنج نشانه حتمی، اشاره ای به قتل و کشتار گسترده وجود ندارد، هر چند در قیام یمانی[[8]](#footnote-8) و سفیانی[[9]](#footnote-9) افرادی کشته می شوند اما در قیاس با تعداد کشته های مورد اشاره روایات قابل توجه نیست، صیحه آسمانی[[10]](#footnote-10) هم که مرتبط با این روایات نیست چرا که یک ندای فراگیر بوده که خطری برای شنوندگان در پی ندارد و صرفا یک هشدار و آگاه سازی جوامع از واقعه ی ظهور است، اما نفس زکیه[[11]](#footnote-11)، هر چند جزئیات کشته شدنش مشخص نیست به این معنا که آیا افراد دیگری هم با او کشته می شوند یا خیر؟ بر فرض که این قتل کشته شدن افراد دیگری را در پی داشته باشد چندان زیاد نبوده که در روایات به آن اشاره ای نشده است، خسف بیدا[[12]](#footnote-12) هم کشته شدن لشکر سفیانی است و قتل گسترده را نمی تواند شامل شود، علاوه بر اینکه تمام این مرگها از نوع مرگهای فیزیکی است که در جنگها رخ می دهد و قابل تطبیق با بیماری کرونا نیست چرا که مرگهای ناشی از این بیماری مرگ غیر فیزیکی است. پس این بیماری ذیل هیچ کدام از علائم قطعی ظهور قرار نمی گیرد.**

**وجه دوم و تطبیق بیماری کرونا با علائم غیر حتمی: همانگونه که وقوع مرگها و کشتارهای وسیع به گستره دو سوم مردم عالم و ترس و اضطراب ناشی از آن، ذیل علائم حتمی قرار نگرفت نمی تواند در ذیل نشانه های غیر حتمی ظهور هم قرار بگیرند چرا که وقوع این مرگهای گسترده در عالم ناشی از یک رخداد خاص مثل بیماری کرونا، نیست بلکه متشکل از مجموعه ای رخدادها و حوادث گوناگون است از جمله جنگهای مختلف در سطح دنیا، (نعمانی، ص 256) بیماریهای فراگیر مختلف، (مجلسی، ج52، ص 113/ طوسی، ص ۴۳۸، ح ۴۳۰/** مقدّسى شافعى سلمى**، ص ۶۵ و نعمانی، ص ۲۷۸) سیل و زلزله ها، (نعمانی، صص 279 و 305/ مجلسی، ج 52، صص 237 و 253) و ... و لذا نمی توان آن را به یک واقعه ی غیر حتمی خاص منحصر دانست.**

**در طول تاریخ جنگهای فراوان و مرگهای ناشی از حوادث و بیماریهای مختلف رخ داده است که البته کشته های بسیاری را هم به دنبال داشته است اما هیچ کدام قابل قیاس با میزان کشته های ذکر شده در این روایات؛ نیست، از این رو علائم غیر حتمی بیشماری که در روایات ما به آنها اشاره شده است، نوعا مواردی جزئی بوده و متعلق به یک واقعه ی محدود می باشد در حالی که در این رخداد مورد اشاره روایات، باید به دنبال یک عامل اساسی تر با جلوه ای عظیم و گستردگی بیشتر باشیم که جای آن علائم غیر حتمی نیست و ظرفیت علائم غیر حتمی در همان حیطه خود می باشد البته معتقدیم برخی از علائم غیر حتمی می توانند بخشی از این واقعه ی عظیم را پوشش دهند مثلا بیماری در یک کشور رخ دهد و کشته های زیادی را هم به دنبال داشته باشد اما این کشته های در نهایت بتوانند جزیی از کشته های مورد اشاره در روایات مورد نظر ما باشند.**

**وجه سوم و تطبیق بیماری کرونا با شرایط ظهور: روایاتی داریم که پیش از ظهور ظلم و فساد در عالم گسترش پیدا کرده و با قیام حضرت و تشکیل دولت مهدوی ظلم و فساد از بین می رود و عدل قسط برپا می شود (طبرسی، الاحتجاج , جلد 2 , صفحه 449/ اربلی، ج۳، ص۲۶۱ / کلینی، ج۱، ص۳۳۸) گسترش ظلم و فساد نه به این معنا که همه مردم ظالم و فاسد گشته یا تمام حاکمان و حکومتها فاسد و ظالمند بلکه به این معنا که ظالمان و ابر قدرتهایی در عالم هستند که به ظلم و فساد دست زده و در همین سطح دست به ظلم و فساد زده و تمام مردم دنیا از این همه نابرابری و بی عدالتی به تنگ آمده و از این همه عدم امنیت و کشتارها، دچار ترس و یاس و ناامیدی می شوند، این امر در روایات اشاره شده است (نعمانی، ص ۲۷۱ / ابن‌طاووس، ص‌132/ مقدّسى شافعى سلمى، ص 94 / طبسی، ج 1، ص 155) به دنبال این وضعیت مردم آمدن منجی را تنها آرزو و راه نجات خود دانسته و در نتیجه زمینه پذیرش منجی مهیا و ظهور رخ می دهد.**

**این وضعیت در عالم نه از علائم حتمی محسوب می شود و نه از علائم غیر حتمی، بلکه باید آن را از شرایط ظهور دانست، روایاتی که از مرگ و کشته شدن مردم قبل از ظهور خبر می دهد اشاره به همین وضعیت ظلم و فساد در عالم دارد که مستکبران عالم نه فقط به ساخت و استفاده از جنگ افزارهای کشتار جمعی روی آورده بلکه عامل حملات بیوتروریستی هم بوده و دنیا را محلی ناامن و خطرناک کرده و به درستی می توان گفت عالم از این همه بی عدالتی و زورگویی و تبعیض خسته و امید به فرجی برای برون رفت از این وضعیت دارد، از این حیث معتقدیم روایات مربوط به «مرگها و کشتار جمعی مردم قبل از ظهور» نه ربطی به علائم حتمی دارد و نه ربطی به علائم غیر حتمی، بلکه باید آن را ذیل شرایط ظهور قرار داد و اشاره کردیم که باید بین علائم ظهور و شرایط ظهور تفکیک قائل شد علائم یکسری اموری است که به ما نوید ظهور داده و امید را در دلهای مشتاقان به حضرت زنده کرده و موجب انگیزه و تحرک بیشتر می شود اما روایات بیان کنند شرایط ظهور در سدد تبیین این مطلب هستند که وضعیت دنیای قبل یا نزدیک به ظهور به گونه ای خواهد شد که تمام دنیا را ظلم و فساد و ناامنی و ترس؛ فرا گرفته و در این بین بسیاری از مظلومان به دست ظالمان کشته می شوند و مردم دنیا مطالبه گر منجی شده و استقبال عمومی شکل می گیرد در روایات تصریح شده تا این وضعیت و شرایط ایجاد نشود ظهوری رخ نخواهد داد.**

**سخن در این است که آیا این وضعیت امروزه در دنیا پدید آمده و آیا ویروس کرونا این حس ناامنی و پناهندگی به منجی را در مردم عالم پدید آورده یا خیر؟**

**آنچه مسلم است اینکه تا کنون نه این بیماری کرونا و نه هیچ حادثه دیگری در سطح عالم رخ داده نتوانسته این گستره از کشتار و به تبع این حس نیاز به منجی را به دنبال داشته باشد لذا چه بیماریهای خطرناکی که تا کنون دنیا به خود دیده مثل طاعون و وبا و سل و ... و چه جنگهای مختلفی که رخ داده نتواتسته چنین کشتاری در حیطه مورد اشاره روایات ثبت کند، اینکه در آینده چه اتفاقی خواهد افتاد و آیا چنین رخدادی واقع می شود یا خیر؟ آیا جنگ جهانی سومی در پیش است یا ویروسی مانند کرونا می تواند این میزان از تلفات را در عالم پدید آورد و مردم دنیا را به سمت منجی سوق دهد، باید منتظر ماند، لذا امکان وقوع این واقعه و وجود اضطرار و پناهندگی مردم عالم و نیاز به منجی در آینده ای نزدیک را نمی توان منکر شد؛ اما تا این زمان این بیماری نتوانسته این موج را ایجاد کند، هر چند در سطح محدود و بخشهایی از عالم تاثیرهایی و لو مقطعی پدید آورده اما فعلا نمی توان روایات مورد اشاره را بر این بیماری و مرگهای ناشی از آن، تطبیق داد.**

**جمع بندی**

**مضمون برخی از روایاتی خبر از واقعه ای عظیم قبل از ظهور حضرت مهدی (عج) دارد و آن از بین رفتن بیشتر مردم عالم می باشد، این میزان از کشته ها تا کنون یا نه رخ داده و نه توانسته است ظهوری را پس از خود به دنبال داشته باشد لذا هیچ کدام از علائم ظهور (چه حتمی و چه غیر حتمی) توان تطبیق با این واقعه ی عظیم را ندارند، همچنین با بررسی رخدادهای نوظهور امروزی و وقوع بیماری فراگیر کرونا، فعلا نمی توان مدعی وقوع چنین رخدادی حتی به عنوان شرایط ظهور شد هر چند دنیای امروز و پیشرفتی که در عرصه تکنولوزی و ساخت جنگ افزارهای کشتار جمعی و شیوع بیماریهای بیوتروریستی دارد امکان وقوع این رخداد قابل پیش بینی است و نمی توان در آینده منکر آن شد که در صورت تحقق، فساد و ظلم در اوج خود قرار گرفته و یکی از شرایط مهم ظهورکه همان درک و احساس نیاز به منجی است در عالم پدید می آید و زمینه ظهور فراهم می شود.**

**منابع**

1. ابن‌بابویه، علی بن حسین، 1404ق، الإمامة و التبصرة من الحیرة، قم، مدرسة الامام المهدی (عج)
2. ابن بابویه، محمد بن علی، 1416ق، کمال الدین و تمام النعمه فی اثبات الغیبه و کشف الحیره، ، مصحح: غفاری، علی‌‎اکبر، قم، مؤسسة النشر الإسلامي
3. ابن طاووس، على بن موسى،1416 ق، التشريف بالمنن في التعريف بالفتن‏، قم، مؤسسه صاحب‌الامر
4. ابن‌طاووس، علی بن موسی، 1381، ملاحم و الفتن، تهران، اسلامیه
5. عبدالمؤمن بن عبدالحق، 1412ق، مراصد الاطلاع، محقق: بجاوی، علی محمد، بیروت، دار الجيل
6. **اربلی، علی بن عیسی، 1421ق، کشف الفقه فی معرفة الائمه، قم، رضی**
7. اربلی، على بن عيسى، 1382، کشف الغمة، ترجمه زواره ای، تهران، اسلامیه
8. صافی گلپایگانی لطف الله،1380، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، قم، موسسه سیده المعصومه، دفتر آیت الله صافی
9. صافی گلپایگانی، لطف الله، 1380، منتخب الأثر فی أحوال الإمام الثانی عشر، قم، دفتر آیت الله صافی
10. صدر، محمد، 1382، تاریخ غیبت کبری، مترجم: افتخارزاده، حسن، تهران، نيک معارف
11. صدر، محمد، 1412ق، تاریخ ما بعد الظهور، بیروت، دار التعارف للمطبوعات
12. طبسی نجفی، محمدرضا، 1385ق، الشيعة و الرجعه، مصحح: طبسی، عمادالدین، النجف الشریف، مطبعة الآداب
13. **الطبرسى، ابو منصور احمد بن على، 1403 ق، الإحتجاج علی اهل اللجاج ، مشهد مقدس، نشر مرتضى**
14. الطبرسی الآملی، ابوجعفر، 1383ق، بشارة المصطفی لشیعة المرتضی، نجف اشرف، منشورات المطبعة الحیدریه
15. طبرسی، فضل بن حسین، 1417ق، إعلام الوری بأعلام الهدی، قم، موسسة آل البیت علیهم‌السلام لإحیاء التراث
16. الطوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن، 1425، الغیبة، چاپ دوم، قم، مؤسّسه المعارف الاسلامیه
17. القشيرى النيشابورى، ابوالحسين مسلم بن حجاج بن مسلم، 1412ق، صحیح مسلم، مصحح: عبدالباقی محمد فؤاد، قاهره مصر، دارالحدیث
18. قمی، علی بن ابراهیم، 1363، تفسیر القمی، قم، دارالکتاب
19. راوندی، قطب الدین، الخرائج و الجرائح، 1409ق، قم، موسسه امام مهدی،
20. حر عاملی، محمد بن حسن، 1425ق، اثبات الهداه بالنصوص و المعجزات، مصحح: اعلمي، علاءالدين، بیروت لبنان، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات
21. **الخزاعی، نعیم بن حماد، 1414، الملاحم و الفتن، بیروت، دارالفکر**
22. كلينى، محمد بن يعقوب بن اسحاق، 1407ق، الكافي، محقق / مصحح: غفارى على اكبر و آخوندى، محمد، تهران، دار الكتب الإسلامية
23. کاظمی، مصطفی بن ابراهیم، 1428ق، بشارة الإسلام في علامات المهدي علیه‌السلام، بیروت، البلاغ
24. فیض کاشانی، محمد بن مرتضی، 1365، الوافی، اصفهان، مکتبة أمیرالمؤمنین
25. المتقی علی ابن حسام الدین هندی، 1364 ق، کنزالعمال، حیدر آباد، دائرة المعارف العثمانیة
26. مفید، محمد بم محمد، 1426ق، مسائل العشره في الغيبة، قم، دليل ما
27. مفيد، محمد بن محمد، 1413ق، الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، تهران، اسلاميه
28. مجلسى محمدباقر بن محمدتقی، ‏1403 ق، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت لبنان، دار إحياء التراث العربي
29. مقدّسى شافعى سلمى، يوسف بن يحيى، 1428، عقد الدرر في أخبار المنتظر، قم، مسجد مقدس جمکران
30. نعماني محمد بن ابراهیم، 1387، الغيبـة، تهران، : دارالکتب الاسلامیه
1. - دانش آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم (آدرس: خرم آباد، ناصر خسرو- فرزانگان دوم – کوچه کیمیا نهم – موبایل: 09191588502 – ایمیل: mahdimoradian58@gmail.com) [↑](#footnote-ref-1)
2. **-** از جمله: «مهدى منتظر را بشناسيد» تاليف مهدى فقيه ايمانى ـ چاپ 1384 هـ اصفهان - «كتابنامه امام المهدى» نشريه يكى از مساجد تهران (صندوق پستى 2223، تهران) «درجستجوى قائم» بيانگر اسامى 1850 جلد كتاب مى باشد - «كتابنامه حضرت مهدى عج» از دانشمند محترم آقاى على اكبر مهدى پور است 2 جلد شامل معرفى 2066 جلد كتاب است [↑](#footnote-ref-2)
3. - علائم ظهور، علي اصغر رضواني، انتشارات مسجد مقدس جمكران - نشانه‌هاي آخر الزمان، سيد حسين حسيني بابل كناري، انتشارات تپش - نشانه‌هاي شگفت آور آخرالزمان، محمد جواد مهدي كرمانشاهي، انتشارات مشرقين، نشانه‌هاي ظهوري او، خادمي شيرازي، انتشارات مسجد مقدس جمكران و برخی از همین کتبی که در این مقاله اشاره شده است. [↑](#footnote-ref-3)
4. - از جمله (ابم بابویه، کمال الدین، ص۶۵۰، باب۵۷، ح۵) و (مجلسی، بحار ج 52 ص 182) [↑](#footnote-ref-4)
5. - از جمله: مرگ ها و زلزله‌ها و جنگ‌ها و آشوب‌های داخلی و خارجی، باران‌های پیاپی، گسترش ظلم و فساد، فتنه و آشوب در سوریه، قتل محمد پسر عموی نفس زکیه، قیام خراسانی و سید حسنی و خروج دجال و قیام شعیب بن صالح، خسوف و کسوف در یک ماه رمضان، قساوت دل‌ها، آیا اختلاف در میان امت اسلام، مردن پاداشاهی به نام عبدالله، گرانی و بالا رفتن قیمت‌ها، حمله ملخ‌ها، مرگ سریع و ... [↑](#footnote-ref-5)
6. **- « مقدّسى شافعى سلمى، عقد الدرر، ص 94؛ الشيعة و طبسی،الشیعه و الرجعه، ج 1، ص 155 «ابن‌طاووس، ملاحم و فتن، ص‌132****»«نعمانی، الغيبة نعمانی، ص ۲۷۱»** [↑](#footnote-ref-6)
7. - در حملات بیوتروریستی عامل بیماری زا از جنس ویروس، باکتری و. . . به فرد یا جمعیتی منتقل می شود تا او را حذف یا ضعیف کنند [↑](#footnote-ref-7)
8. **-** امام صادق (ع) فرمود: ... یمانی از علائم حتمی است(صدر، ص 525، نعمانی، 252) [↑](#footnote-ref-8)
9. - سفیانی: پیش از ظهور خروج می کند (ابن بابویه، ص 651. و مجلسی، ج 52، ص 215؛ و المتقی، ج 14، ص 272؛ صدر، ص 518 الی 520) [↑](#footnote-ref-9)
10. - «صدر، تاریخ ما بعد الظهور، 176 / اربیلی، کشف الغمه ج3، ص 260 ، فیض کاشانی، ج 2، ص 445 ـ 446، طوسی، ص 435 و454 و453 / مفید، ج2، ص 371 / ابن بابویه، ص651 / مجلسی، ج52، ص204-288-290؛ صافی گلپایگانی، ص 459/ نعمانی، 254» [↑](#footnote-ref-10)
11. - «صافی گلپایگانی، 459 / صدر، ص 511 / مفید، ج2، ص374 / طبرسی، ص 427» [↑](#footnote-ref-11)
12. **-** خسف در بیداء: خسف یعنی فرو رفتن و پنهان شدن، و بیداء نام منطقه ای در مکه و مدینه است. ظاهراً لشگر سفیانی در این منطقه که به قصد جنگ با امام عصر(عج) آمده است در زمین فرو می روند(عبد المومن، ج1، ص239؛ فیض کاشانی، ج2، ص 442؛ مفید، ج 3، ص 122 / نعمانی، ، ص 252) [↑](#footnote-ref-12)